

The history of Turkish-Syrian relations from the beginning to the Syrian civil war

Amirhossein Behnik¹

Qiuomars Azdanpanah Dero²

Bahador Zarei³

Abstract

The Republic of Turkey and Syria have many similarities and differences due to their common history and being within the geopolitical framework of the Ottoman Empire. Syria was the only country that separated from the Ottoman Empire and had long-standing territorial and border problems with the successor of the empire, the Republic of Turkey, which brought the two countries to the brink of war many times. Relations between Turkey and Syria have always been tense since the country's independence from France in 1945, except for a limited period at the beginning of the 21st century. Issues such as: territorial disputes over Hatay province, border rivers between the two countries, the Kurdish issue, Turkey's proximity to the United States and, on the other hand, Syria's proximity to the Soviet Union were among the most important reasons for the deterioration of relations between the two countries. Although Turkey's role in the civil war and its interference in Syrian affairs have been widely discussed in Iranian academic circles due to Turkey's involvement in Syria and the conflict between its interests and those of Iran, less attention has been paid to the fact that the history of the conflict between Turkey and Syria dates back decades before the start of the civil war and to the mid-twentieth century. The following descriptive-analytical study attempts to examine the history of Turkey-Syria relations by using a library method and various books and articles in the fields of international relations, history, and political geography, and to explain various aspects of this issue.

Keywords: Turkey, Syria, International Relations, Foreign Policy, Political Geography.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Master of Political Geography, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: amirhoseinbehnik@gmail.com.

² Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: kyazdanpanah@ut.ac.ir.

³ Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: b.zarei@ut.ac.ir.

پیشینه روابط ترکیه و سوریه از آغاز تا جنگ داخلی سوریه

امیرحسین بهنیک^۱

کیومرث یزدان پناه درو^{۲*}

بهادر زارعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

چکیده

جمهوری ترکیه و سوریه بدلیل پیشینه مشترک خود و قراردادن در چارچوب جغرافیای سیاسی امپراتوری عثمانی از اشتراکات و افتراقات بسیاری برخوردارند، سوریه تنها کشور جداشده از عثمانی به‌شمار می‌رفت که با جانشین امپراتوری یعنی جمهوری ترکیه دارای مشکلات ارضی و مرزی دیرپایی شد که دو کشور را بارها تا پای جنگ پیش برد. روابط ترکیه و سوریه پس از استقلال این کشور از فرانسه در سال ۱۹۴۵ م. بجز دورانی محدود در آغاز قرن بیست و یکم همواره متشنج بوده است، مسائلی مانند: اختلافات ارضی بر سر استان هاتای، رودهای مرزی بین دو کشور، مسئله کردها، نزدیکی ترکیه به آمریکا و در مقابل نزدیکی سوریه به شوروی از مهم‌ترین دلایل تیرگی روابط بین این دو کشور به‌شمار می‌رفت. با وجود اینکه بدلیل دخالت ترکیه در سوریه و ضدیت منافع این کشور با منافع ایران در سوریه به عملکرد ترکیه در جنگ داخلی و دخالت این کشور در امور سوریه در جوامع علمی ایران بسیار پرداخته شده است، اما به این نکته کمتر توجه شده است، که دیرینگی اختلاقات ترکیه و سوریه به دهه‌ها پیش از آغاز جنگ داخلی و به میانه قرن بیستم باز می‌گردد. پژوهش زیر که صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، می‌کوشد با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات مختلف در زمینه‌های روابط بین‌الملل، تاریخ و جغرافیای سیاسی به پیشینه روابط ترکیه و سوریه بپردازد و جنبه‌های گوناگون این مسئله را تبیین سازد. **واژگان کلیدی:** ترکیه، سوریه، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، جغرافیای سیاسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: amirhoseinbehnik@gmail.com.

^۲ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: kyazdanpanah@ut.ac.ir.

^۳ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: b.zarei@ut.ac.ir.



مقدمه

در پی آغاز جنگ داخلی سوریه، ترکیه از نخستین بازیگرانی بود که به کنشگری فعال در سوریه پرداخت و از مخالفین رژیم بشار اسد به شدت حمایت کرد. اما دیرینگی مسائل و مشکلات بین دو کشور به سال‌ها پیش از آغاز جنگ داخلی و حتی پیش از تشکیل رژیم علویان به وسیله حافظ اسد در سال ۱۹۷۰ م. باز می‌گردد. مسئله اختلاف ارضی بر سر منطقه اسکندرون (استان هاتای ترکیه)، قراردادن ترکیه در اردوی غرب و متقابلاً حضور سوریه در اردوگاه شرق، مسئله کردهای ساکن در دو سوی مرز و در نهایت سدسازی‌های ترکیه بر روی رودهای مرزی بخصوص رود فرات از مهم‌ترین دلایل اختلافات بین دو کشور به‌شمار می‌رود که تأثیرات خود را در بازه‌های زمانی گوناگون بر روی روابط بین دو کشور نمایان ساخته‌اند. در پژوهش زیر به بررسی روابط مشترک بین دو کشور از تشکیل کشور سوریه تا آغاز جنگ داخلی سوریه پرداخته می‌شود و پیشینه طولانی روابط و اختلافات بین دو کشور بیان می‌شود.

۱- روش‌شناسی

با توجه به اهداف و فرضیات این پژوهش، نوع پژوهش کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. شیوه گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات و اسناد معتبر خواهد بود. موضوعات کتاب‌ها، مقالات و اسناد مورد استفاده عبارتند از: ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل، تاریخ و مطالعات منطقه‌ای. از آنجایی که ترکیه در کنار ایران و عربستان سه ضلع مثلث قدرت منطقه را تشکیل می‌دهند. نیاز به بررسی سیاست خارجی این کشور به‌صورت مستمر وجود دارد. بدلیل اینکه سوریه برای تهران به عنوان حریم امنیتی و حوزه نفوذ سنتی به‌شمار می‌رود؛ ورود به این حوزه از سوی یک کشور خارجی، مخصوصاً اگر یک قدرت درون منطقه‌ای باشد، حساسیت‌زاست و ایران هرگونه اقدامی که منافع او را در این حوزه به خطر بیندازد نه فقط به صورت تهدید کوتاه مدت بلکه به عنوان یک برنامه بلند مدت برای خفگی ژئوپلیتیکی خود می‌بیند. بنابراین بررسی عملکرد ترکیه به عنوان تنها قدرت درون منطقه‌ای که به صورت پیوسته و آشکارا در این حوزه کنشگری می‌کند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱-۲- فرضیات پژوهش

- ۱- ترکیه همواره بدیل پیوستگی طولانی با سوریه در دوران امپراتوری عثمانی، همواره خواهان افزایش نفوذ خود در این کشور است.
- ۲- بدلیل اضطحکاک منافع و وجود گسل‌های ژئوپلیتیکی بین ترکیه و سوریه، روابط دو کشور بیشتر تحت تأثیر کدهای منفی ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد.

۱-۳- پرسش‌های پژوهش

- ۱- ترکیه چه اقداماتی برای افزایش نفوذ خود در سوریه صورت داده است؟
- ۲- مسئله اختلافات مرزی و رودهای مرزی تا چه میزان در روابط بین ترکیه و سوریه تأثیرگذار بوده است؟

۲- ادبیات مفهومی پژوهش

۲-۱- جغرافیای سیاسی



هارتسورن جغرافیای سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «جغرافیای سیاسی، تفاوت‌ها و شباهت‌های سیاسی نواحی را در ارتباط با سایر تفاوت‌ها و تشابهات جغرافیایی آن‌ها بررسی می‌کند». (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۹۱). ریچارد مویر: «جغرافیای سیاسی به مطالعه ادعاها و منازعات انسانی درباره استفاده، مشارکت، مالکیت زمین و منابع آن می‌پردازد» (مویر، ۱۳۷۹: ۹). میرحیدر: «جغرافیای سیاسی یک شاخه از جغرافیای انسانی است که به بررسی تأثیرات متقابل انسان و محیط می‌پردازد» (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۴). حافظنیا: «علم مطالعه روابط جغرافیا با سیاست و تبیین پدیده‌های ناشی از تأثیر آن‌ها بر یکدیگر» (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۲). مجتهدزاده جغرافیای سیاسی را این‌چنین تعریف می‌کند: «جغرافیای سیاسی، مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی انسان بر فضای جغرافیایی است» (مجتهدزاده، ۱۴۰۰: ۲۲). زارعی نیز در تعریف جغرافیای سیاسی می‌نویسد: «جغرافیای سیاسی به مطالعه تأثیر و اثر سیاست بر جغرافیا و تعیینات ناشی از آن می‌پردازد (زارعی، ۱۳۹۲: ۳۹). اگنیو در تعریف جغرافیای سیاسی: «به مطالعه چگونگی هم‌کنشی سیاست و جغرافیا و در واقع آثار جغرافیا بر سیاست را تعریف می‌کند» درایسدل و بلیک جغرافیای سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «جغرافیای سیاسی اساساً درگیر تحلیل فضایی پدیده‌های سیاسی است و به نمادهای فضایی فرایند سیاسی توجه دارد» (درایسدل و بلیک، ۱۳۶۹: ۹).

۳- سیاست خارجی

سیاست خارجی فقط آن دسته از روابط را در بر می‌گیرد که ابتکار آن‌ها با حکومت‌ها بوده و از طرف آنان تصدی شده باشد. در این معنی سیاست کاملاً رسمی است که هدایت آن برعهده حکومت‌ها بوده و با روابط بین گروه‌ها و افراد که ماهیت غیر رسمی دارد، متفاوت است (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۰۴). همچنین می‌توان سیاست خارجی را مجموعه اهداف و روش‌هایی که یک دولت در مقابل دولت‌های خارجی در جهت دفاع از منافع ملی خود دنبال می‌کند، تعریف کرد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۷۱).

قلمروخواهی

کردارشناسان نخستین کسانی بودند که واژه قلمروخواهی را توصیف دقیق کردند (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۲: ۴۷). رفتار قلمروخواهانه راهبردی جغرافیایی و سیاسی برای دست‌یافتن به اهداف خاصی مانند پایش فضای جغرافیایی برای حفظ، کسب و یا گسترش قدرت یا مقاومت در برابر گروه مسلط است (همان: ۴۶ و ۴۷). قلمروخواهی احساس قدرت رسمی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها بر بخشی از فضا و محتویات آن است (سیف‌الدینی، ۱۳۹۹: ۳۷). میرحیدر: «تلاش انسان چه به صورت جمعی و چه به صورت گروهی برای اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخصی از فضا است» (پیشگاهی‌فرد و رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

۴- کد ژئوپلیتیکی

رفتاری که در آن یک کشور جهت‌گیری خود را نسبت به جهان تعیین می‌کند، کد ژئوپلیتیکی نامیده می‌شود (فلینت، ۱۳۹۰: ۸۴). دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در فرای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند (حافظنیا، ۱۴۰۱: ۱۷۹).

بحث و یافته‌های تحقیق

۱- از فروپاشی امپراتوری عثمانی تا پایان قیمومیت فرانسه بر سوریه

سوریه امروزی از سال ۱۵۱۶ م. یعنی پیروزی عثمانی در نبرد مرج دابق مقابل ارتش ممالیک مصر تا ۱۹۱۸ م. و امضاء پیمان آتش‌بس مودروس جزوی از امپراتوری عثمانی به‌شمار می‌رفت و بدلیل توافقات بریتانیا با شریف حسین هاشمی که رهبر قیام اعراب ضد امپراتوری عثمانی بود، نیروهای عرب به رهبری فیصل پسر شریف حسین در روز ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۸ م نخست و یک‌روز پیش از قوای بریتانیا وارد دمشق شدند و سوریه امروزی را از دست ترک‌ها درآوردند (لوتسکی، ۱۴۰۰: ۵۸۳). هرچند

این سرزمین در پی پیمان سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ م. بین بریتانیا و فرانسه، به فرانسه داده شده بود. بنابراین پاریس مانع از در اختیار گرفتن این سرزمین توسط فیصل شد و پس از مدتی مذاکره، سرانجام در پی به توافق نرسیدن فرانسه و فیصل فرانسوی‌ها بزور فیصل را از سوریه بیرون کردند و این سرزمین را به‌طور کامل در اختیار گرفتند (فاست، ۱۳۸۶: ۷۲). بنابر منشور میثاق ملی مناطقی که از اکثریت کرد یا ترک برخوردار می‌بودند باید در حدود سرزمینی جمهوری جدید ترکیه قرار می‌گرفتند. درباره ترکیب جمعیتی سنجاک اسکندرون بین ترکیه، اعراب و فرانسه اختلاف وجود داشت. فرانسه به عنوان قیم سوریه اعتقاد داشت که ترک‌ها ۴۰٪ از جمعیت اسکندرون هستند و بنابراین اسکندرون بایستی جزو سرزمین سوریه قرار بگیرد. هرچند فرانسه موضع خود را بر کرسی نشاند اما سرانجام در پی پیمان آنکارا یا پیمان فرانکلین-بویون که جنگ بین ملیون و فرانسه را خاتمه داد؛ هرچند ترکیه اسکندرون را به عنوان بخشی از سوریه پذیرفت اما اسکندرون دارای سیستم خودمختار شد و ترک‌های این منطقه امکان حفظ و توسعه فرهنگ خود را پیدا کردند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). در سال ۱۹۲۵ م. ژنرال ویگان کمیسر عالی فرانسه سیستم مالی و اداری ویژه‌ای برای اسکندرون تعیین کرد و در این سیستم ترک‌ها و اعراب از حقوق برابر برخوردار شدند، در ژانویه ۱۹۲۶ م. انتخابات مجلس اسکندرون برگزار شد و مجلس اسکندرون اعلام کرد که این سنجاک زیر سرپرستی مستقیم فرانسه در خواهد آمد، امری که خشم سوری‌ها را برانگیخت (کریمی، ۱۴۰۲: ۷۶). در ادامه مرزهای شمالی اسکندرون، با امضاء پروتکلی در می ۱۹۲۶ م. بین فرانسه و ترکیه به نفع ترکیه تغییر کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). ترکیه بلافاصله در ۳۰ می پیمان دوستی و عدم تجاوز را با سوریه به‌مدت پنج سال امضاء کرد (همان: ۱۴۷). بنظر می‌رسد در این دوران تنها هدف فرانسوی‌ها از در اختیار گرفتن مستقیم سنجاک، به توافق رسیدن با ترکیه باشد زیرا چندی بعد از به توافق رسیدن ترکیه و فرانسه، مجلس سنجاک در ۱۲ ژوئن ۱۹۲۶ م. خودمختاری خود را در چارچوب سوریه اعلام کرد (کریمی، ۱۴۰۲: ۷۶). در سال ۱۹۲۸ م. مجلس تازه‌تاسیس موسسان سوریه، قانون اساسی این کشور را تدوین کرد، در بندی از قانون اساسی، سوریه شامل: اسکندرون، لبنان، فلسطین و ماوراء اردن بود، پانسوت کمیسر عالی فرانسه با اعتراض به این بند از قانونی اساسی دستور حذف آن را داد، اما مجلس دستور کمیسر را رد کرد و در پاسخ قانون اساسی جدید توسط کمیسر ملغی اعلام شد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). در سال ۱۹۳۱ م. انتخابات مجلس سوریه و نمایندگان شورای اداری اسکندرون برگزار شد؛ از ۱۲ عضو شورای سنجاک اسکندرون: ۲ نفر ترک، دو نفر عرب سنی، یک مسیحی ارتدوکس و یک علوی از حوزه انطاکیه، از حوزه کیرخان یک ترک و یک ارمنی و در نهایت از حوزه اسکندرون یک ترک، یک علوی و یک مسیحی ارتدوکس برگزیده شدند (Yamac, 2015:36). دولت ترکیه با وجود رضایت به واگذاری اسکندرون به سوریه کماکان به این منطقه چشم داشت، این موضوع را می‌توان از اعتراض دولت ترکیه به پیمان نه سپتامبر ۱۹۳۶ م. فرانسه-سوریه تشخیص داد، در این پیمان فرانسه پذیرفت تا پس از یک دوره انتقالی به سوریه استقلال اعطا کند، در این پیمان از اسکندرون به‌عنوان بخشی از خاک سوریه نام برده شده بود. دولت ترکیه اعتقاد داشت که بیشتر جمعیت سنجاک ترک هستند و این منطقه باید جدا از سوریه اداره شود. استدلال دولت ترکیه بر این مبنا استوار بود که ترکیه فرانسه را قیم اسکندرون می‌شناخت و فرانسه نمی‌تواند این مسئولیت را به سوریه انتقال دهد. دولت فرانسه که در این هنگام در مواجهه با آلمان در حال تجدید حیات کرده بود، قصد نداشت بر سر این منطقه کوچک با ترکیه دچار اختلاف شود؛ بنابراین با پیشنهاد ترکیه مبنی بر ارجاع مسئله به جامعه‌ممل موافقت کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). آتاتورک در یک نوامبر ۱۹۳۶ م. اسکندرون را بخش جدایی‌ناپذیر ترکیه اعلام کرد و این منطقه را هاتای نامید؛ وی این نام را از نام قوم باستانی هیتی که در این منطقه حکومت می‌کردند، گرفت (کریمی، ۱۴۰۲: ۷۷). در دسامبر همان سال جامعه‌ممل نخستین نشست خود را برای تعیین تکلیف سنجاک اسکندرون برگزار کرد. نماینده فرانسه بر این نشست استدلال کرد که با استقلال سوریه، سنجاک حقوق اداری ویژه‌اش را حفظ خواهد کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). فرانسه در ادامه پیشنهاد ترکیه مبنی بر استقلال سنجاک را برای جلوگیری از تجزیه سوریه رد کرد (کریمی، ۱۴۰۲: ۷۷). در نهایت جامعه‌ممل تصمیم گرفت تا یک کمیته را برای بررسی مسئله سنجاک به منطقه اعزام کنند، ترکیه و فرانسه نیز توافق کردند تا تصویب



پیمان استقلال سوریه از سوی فرانسوی‌ها تا مشخص شدن تکلیف سنجاک، تعلیق شود. مجلس سوریه اما یک‌طرفه پیمان را تصویب کرد. کمیته اعزامی جامعه ملل سرانجام نتیجه بررسی‌های خود را به شرح زیر در می ۱۹۳۷ م. اعلام کرد:

- اسکندرون امور داخلی خود را به طور کامل اداره خواهد کرد.
- سوریه مسئولیت امور خارجی، سیاسی و کنسولی سنجاک را برعهده می‌گیرد.
- سوریه و اسکندرون پول و گمرک یکسان خواهند داشت.
- برای حفظ ارتباط میان سنجاک و سوریه هر دو طرف یک کمیسنر نزد یکدیگر تعیین خواهند کرد.
- اسکندرون نظامی‌زدایی خواهد شد و سربازی اجباری در این منطقه ممنوع خواهد بود تنها یک نیروی ژاندارم ۱۵۰۰ نفری برای حفظ امنیت در منطقه حضور خواهند داشت.
- حقوق اقلیت‌ها اعم از مکان تولد، تابعیت، زبان، نژاد و مذهب حفظ خواهد شد.
- ترکیه دسترسی تضمین شده به بندر اسکندرون خواهد داشت و می‌تواند یک اداره گمرک در منطقه تاسیس کند.
- مجلسی متشکل از ۴۰ نماینده و قوه اجرایی شامل رئیس‌جمهور و یک کمیته اجرایی چهار نفره ایجاد خواهد شد.
- هر دو زبان ترکی و عربی در این منطقه رسمی خواهند بود.
- تحصیلات تا مقطع ابتدایی اجباری بوده و آزادی مطبوعات تضمین خواهد شد.
- پیمان‌های بین‌المللی دولت سوریه که در وضع سنجاک تغییر ایجاد می‌کنند باید به‌وسیله جامعه ملل بررسی و تصویب شوند.
- آیین‌نامه خودمختاری سنجاک باید تنظیم شده و برای تصویب به شورای جامعه ملل تقدیم شود.
- دولت‌های فرانسه و ترکیه مامور اجرای تصمیمات جامعه ملل هستند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۶ و ۱۴۷).

ترکیه تصمیم جامعه ملل را با خشنودی پذیرفت اما سوریه و مردم آن به شدت به این تصمیم جامعه ملل اعتراض کردند و مجلس سوریه آیین‌نامه جامعه ملل را تصویب نکرد. در خود اسکندرون نیز اوضاع متشنج شد؛ اعراب و ارمنیان به رسمی شدن زبان ترکی اعتراض کردند و در پی این خشونت‌ها ارتش ترکیه در پشت مرز صفاآرایی کرد. در هفت دسامبر دولت ترکیه پیمان دوستی و عدم تجاوز را ملغی کرد (همان: ۱۴۷). در این هنگام اوضاع در اروپا به‌ضرر فرانسه در جریان بود و فرانسه با ۴۰ میلیون جمعیت نمی‌توانست در برابر آلمان ۸۰ میلیونی بایستد و همزمان در خاورمیانه نیز درگیر باشد. جدی شدن اختلافات با آلمان فرانسه را واداشت که خیالش از بابت ترکیه آسوده باشد، بنابراین در سال ۱۹۳۷ م. اسکندرون به خودمختاری کامل رسید (منسفیلد، ۱۴۰۱: ۲۴۵). در مارس ۱۹۳۸ م. آلمان در پی واقعه آنشلوس اتریش را در اختیار گرفت و اهمیت توافق و دوستی ترکیه برای فرانسه و بریتانیا بالا رفت. انتخابات شورای اداری سنجاک زیر نظر جامعه ملل در آوریل ۱۹۳۸ م. آغاز شد و در این انتخابات ۴۹/۹۸ درصد شرکت‌کنندگان ترک و ۵۰/۲ درصد از سایر اقوام بودند (کریمی، ۱۴۰۲: ۷۹). در ژوئن ۱۹۳۸ م. فرانسه و ترکیه توافق کردند که بدلیل اکثریت جمعیت ترک‌ها ۲۲ کرسی از ۴۰ صندلی شورای اسکندرون به آن‌ها برسد، همچنین افسران ارتش ترکیه وارد سنجاک شدند تا برای برقراری نظم و اجرای قوانین با افسران فرانسوی همکاری کنند. مجلس ملی سوریه، با ارسال تلگراف به کشورهای مستقل عربی از آنان برای حفظ سنجاک به عنوان بخشی از جهان عرب کمک خواست (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). فرانسه برای ختم کردن مسئله سنجاک در سه و چهار ژوئن ۱۹۳۸ م. چندین پیمان با ترکیه امضاء کرد

که به موجب آن‌ها موقعیت و منافع ویژه ترکیه را در سنجاک به رسمیت می‌شناخت. همچنین قرار بر این شد که یک پایگاه نظامی مشترک با حضور ۲۵۰۰ نظامی فرانسوی، ۲۵۰۰ نظامی ترک و ۱۰۰۰ نیروی محلی احداث شود (همان: ۱۴۸). پس از رسیدن ۲۲ کرسی از ۴۰ صندلی به ترک‌ها، نخستین جلسه شورای اداری اسکندرون که اکنون مجلس نامیده می‌شد در ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ م. برگزار شد، در پی این جلسه تایفور سوکمن نماینده پیشین مجلس ملی ترکیه به عنوان رئیس‌جمهور و فرد دیگری نیز به عنوان رئیس مجلس انتخاب شدند. همچنین نام اسکندرون به صورت رسمی به هاتای تغییر کرد (همان: ۱۴۹). تصمیمات دیگری به شرح زیر در جلسه پنج سپتامبر گرفته شد:

- جمهوری هاتای از پشتیبانی اکثریت ترک برخوردار است و در امور داخلی خود کاملاً مستقل خواهد بود.
- پایتخت جمهوری هاتای شهر انطاکیه خواهد بود.
- حفظ نظم عمومی با نیروی ژاندارمی با ۱۵۰۰ نفر نیرو خواهد بود.
- تمام شهروندان بدون توجه به نژاد یا مذهب از حقوق برابر برخوردار هستند.
- پرچم جمهوری دارای زمینه قرمز با هلال و ستاره سفید مانند پرچم جمهوری ترکیه خواهد بود (همان: ۱۴۹).

در پنج دسامبر ۱۹۳۸ م. اولین کابینه پنج نفره وزاری ترک بدون حضور اعراب مشغول به کار شد. قانون اساسی هاتای در هفت دسامبر ۱۹۳۸ م. پذیرفته شد و سرود ملی ترکیه به عنوان سرود ملی هاتای برگزیده شد، امور خارجه هاتای در اختیار سوریه باقی ماند و اداره گمرک مشترکاً توسط ترکیه و سوریه اداره می‌شد، پول رایج در هاتای نیز لیر سوریه تعیین شد (کریمی، ۱۴۰۲: ۸۰).

نقشه شماره ۱: جایگاه هاتای در نقشه سوریه



Source:(www.researchgate.net)

سوری‌ها بشدت با تشکیل جمهوری هاتای مخالفت کردند. با تغییر وزیر امور خارجه فرانسه و به منصب رسیدن جورج بونت که از دوستان صمیمی آتاتورک بود، اوضاع بیش از پیش به ضرر سوری‌ها شد. سعود داواز سفیر ترکیه در فرانسه با ارسال نامه‌ای در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ م. درخواست کرد تا هاتای به ترکیه الحاق شود و بونت نیز این مسئله را پذیرفت (همان: ۸۰). فرانسه



با توجه به اینکه سیاست مداخلات با آلمان هیتلری فایده نداشت، تصمیم گرفت تا در صورت در گرفتن جنگ از بابت ترکیه آسوده‌خاطر باشد از این‌رو در ۲۳ ژوئن ۱۹۳۹ م. دو کشور پیمان‌نامه‌ای در پاریس امضاء کردند که به‌موجب آن در صورت حمله به یکی از دو کشور، منجر به جنگ در دریای مدیترانه شود؛ کشور دیگر از آن حمایت خواهد کرد. در همان‌روز پیمان دیگری بین دو کشور این‌بار در آنکارا بین دو کشور امضاء شد که به‌موجب آن هاتای به ترکیه واگذار می‌شد. مفاد این پیمان به شرح زیر می‌باشد:

- حاکمیت ترکیه بر هاتای بی‌قید و شرط است.
- ترکیه می‌پذیرد که مرزهایش با سوریه غیر قابل نقض خواهند بود و همچنین تعهد می‌دهد که از اقداماتی که تمامیت ارضی سوریه و یا صلح در مرزهای مشترک بین دو کشور را به‌خطر بیندازد، اجتناب کند.
- مردمان غیر ترک که مایل نیستند تبعه ترکیه شوند، می‌توانند در مدت شش ماه تابعیت سوریه و یا لبنان را بپذیرند. آن‌ها باید در مدت ۱۸ ماه هاتای را ترک کنند و می‌توانند اموال منقول خود را همراه ببرند.
- کوه‌های جبل‌آکرا در جنوب انتطاکیه جزوی از سوریه هستند و مرز دو کشور در این نقطه خواهد بود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

در ۲۹ ژوئن ۱۹۳۹ م. مجلس هاتای با اکثریت آرا الحاق به ترکیه را پذیرفت و تا ۲۳ جولای فرانسه هاتای را کامل تخلیه کرد و در همین روز حاکمی از طرف دولت ترکیه به این منطقه اعزام شد. سوری‌ها بشدت به این واگذاری اعتراض کردند، زیرا نه تنها منطقه‌ای با بنادر استراتژیک را از دست دادند بلکه عمل فرانسه با شروط قیمومیت تضاد داشت و فرانسه از لحاظ قانونی اجازه چنین کاری را نداشت. نقشه‌های رسمی سوریه هنوز هاتای را با نام قدیمی خود اسکندرون درون مرزهای سوریه ترسیم می‌کنند (منسفیلد، ۱۴۰۱: ۲۴۶). دولت فرانسه در سال ۱۹۳۹ م. نیز پیمان مشترک با سوریه را تصویب نکرد و نشان داد که می‌خواهد در پوشش قیمومیت سوریه را حفظ کند. پس از تسلیم فرانسه به آلمان، نیروهای بریتانیا سوریه و لبنان را از دست نیروهای دولت فرانسه ویشی وابسته به آلمان بیرون آوردند و در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ م. استقلال سوریه را به رسمیت شناختند (ولیان، ۱۳۴۵: ۲۷). با پایان جنگ جهانی دوم فرانسوی‌ها قصد داشتند که مجدداً به سوریه و لبنان بازگردند و این اقدام برخلاف تعهد حکومت فرانسه ازاد بود که در آگوست ۱۹۴۱ م. تعهد به پذیرش استقلال سوریه و لبنان داده بود. هرچند دو دولت سوریه و لبنان زیربار فشار فرانسه تسلیم نشدند و در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۵ همگام با یکدیگر بیانیه‌ای را در دمشق با مفاد زیر اعلام کردند:

- اجرای تصمیمات اتحادیه عرب
 - اخراج همه کارکنان فرانسوی دو دولت
 - اخراج کلیه نظامیان فرانسوی از خاک سوریه و لبنان
- در همین دوران فرانسه که امکان حفظ سوریه و لبنان ناامید شده بود، در مذاکره با بریتانیا که او نیز نیروهایش از ۱۹۴۱ م. در این دو کشور حضور داشتند؛ توافق کردند که برای حفظ حیثیت فرانسه نخست بریتانیا اعلام کند که نیروهایش را از خاک این دو کشور خارج می‌کند و سپس فرانسه هم به این اقدام مبادرت کند (نیک‌آئین، بی‌تا: ۲۵۴ و ۲۵۵). دولت‌های سوریه و لبنان برای افزایش فشار موضوع را به سازمان ملل و اتحادیه عرب ارجاع دادند و سرانجام فرانسه و بریتانیا در بهار ۱۹۴۶ م. قوای خود را از خاک لبنان و سوریه خارج کردند و سوریه در روز ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ م. به استقلال حقیقی رسید.

نخستین اقدام سوریه مستقل، غیرقانونی اعلام کردن واگذاری اسکندرون به ترکیه بود، سوریه از کشورهای عربی برای پس گرفتن اسکندرون درخواست کمک کرد، اما کشورهای عربی به این درخواست توجهی نکردند و چندی بعد در سال ۱۹۴۸ م. و با بروز مسئله فلسطین و جنگ اعراب و اسرائیل در همین سال مبحث اسکندرون به حاشیه رفت. دولت ترکیه با وجود ادعای سوریه بر اسکندرون، این کشور را در شش مارس ۱۹۴۶ م. به رسمیت شناخت؛ هرچند این مسئله کمکی به بهبود روابط دو همسایه نکرد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). مسئله آب رودهای مرزی بخصوص رود فرات بر تیرگی روابط بین دو کشور افزود، ترکیه به عنوان کشور بالادست و عراق و سوریه به عنوان دو کشور پایین دست، پروژه‌هایی را برای استفاده از آب رودهای مرزی سازمان دادند و قصد اجرای آن‌ها را داشتند، ترکیه و عراق برای اجتناب از درگیری پیمان دوستی و همسایگی خوب را در ۱۹۴۶ م. با یکدیگر امضاء کردند؛ ترکیه کوشش کرد که پیمانی مشابه را با سوریه امضاء کند که بدلیل اختلافات دو کشور بجایی نرسید (sakir, 2023:327). سوریه در سال‌های آغازین استقلال خود به دلیل کودتاهای پی‌درپی از ثبات در سیاست خارجی خود برخوردار نبود، از سال ۱۹۴۹ م. تا ۱۹۵۱ م. چهار کودتا در کشور رخ داد، حسنی الزعیم در ۳۰ مارس علیه شکری القوتلی کودتا کرد و خود در ۱۴ آگوست همان سال قربانی کودتای سامی حناوی گردید، سرهنگ ادیب شیشکلی نیز دو بار در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۹ م. و ۲۸ نوامبر ۱۹۵۱ م. کودتا کرد (گروه نویسندگان، ۱۳۶۰: ۹۱). با عضویت ترکیه در ناتو و پیمان بغداد در سال‌های ۱۹۵۲ م. و ۱۹۵۵ م. نه‌تنها امید به بازپس‌گیری اسکندرون به‌صورت نظامی برای سوریه از بین رفت، بلکه این کشور از جانب ترکیه برای تمامیت ارضی و حتی استقلال و موجودیت خود نیز نگران بود. در ژانویه ۱۹۵۵ م. عدنان مندرس نخست‌وزیر ترکیه در ضمن سفر خود به عراق و دیدار با مقامات این کشور، درخواست مذاکره با مقامات سوریه برای حل مشکلات بین دو کشور را ارائه کرد. علاوه بر مبحث اسکندرون و آب‌های مرزی، مسائلی مانند: گروه‌های مسلح کرد در امتداد مرز دو کشور، راه‌آهن مرزی و اموال دو کشور در داخل خاک یکدیگر نیز مشکل‌آفرین شده بود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). دولت سوریه این پیشنهاد را بدلیل اینکه ترکیه حاضر به مذاکره درباره مسئله اسکندرون نبود، رد کرد. در ۱۹۵۷ م. همزمان با اعلام «داکترین آیزنهاور» که در آن اعلام شده بود: «یک کشور می‌تواند از ایالات متحده کمک نظامی و یا اقتصادی بخواهد، در صورتی که مورد تهدید تهاجم مسلحانه از سوی دولت دیگری قرار گیرد» در این داکترین منظور از دولت خارجی شوروی بود، سوریه و کشورهای عربی که در پیمان بغداد وارد نشده بودند و عنوان بی‌طرف داشتند، واکنش شدیدی را در برابر داکترین آیزنهاور نشان دادند (سعادت‌مند، ۱۳۴۶: ۲۳۳). مطبوعات سوریه بدلیل نزدیکی به شوروی در کنار مطبوعات این کشور اعلام کردند که ارتش ترکیه نیروهایش را در کنار مرز سوریه مستقر کرده است و قصد تجاوز به خاک سوریه را دارد. (گروه نویسندگان، ۱۳۶۰: ۹۶). شوروی با انتشار بیانیه‌ای در خبرگزاری «تاس» در ۱۹ اکتبر ۱۹۵۷ م. به ترکیه و آمریکا هشدار داد. سوریه از مصر به استناد پیمان دفاعی مشترک کمک خواست و در ۱۳ اکتبر نیروهای مصری در لاذقیه پیاده شدند (همان: ۹۶). بحرانی جدی بین سوریه و ترکیه با حضور شوروی و آمریکا پیش آمد، هرچند بحران از جنگ لفظی تجاوز نکرد و پس از چندی به پایان رسید. در فوریه ۱۹۵۸ م. جمهوری متحد عربی از اتحاد سیاسی مصر و سوریه ایجاد شده و جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر به‌عنوان رئیس‌جمهور جمهوری متحد عربی برگزیده شد. پس از این اتحاد، رادیو قاهره در بیانیه‌ای اعلام کرد که: «هر جلسه پیمان بغداد توطئه‌ای علیه اعراب است و اتحاد سوریه و مصر سپر محافظ عرب‌گرایی در برابر هرگونه تجاوزی است» (Bishku, 2012:40). عضویت در جمهوری متحد عربی اعتماد به نفس سوریه را زنده کرد، مصر پس از بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ م. و موفقیت در ملی کردن کانال سوئز قهرمان کشورهای عرب به‌شمار می‌رفت. اعتماد به نفس سوریه بحدی رسید که در سال ۱۹۶۰ م. تظاهرات بزرگی در دمشق و سایر شهرهای بزرگ سوریه برای پس گرفتن اسکندرون شکل گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در می ۱۹۶۰ م. ژنرال جمال گورسل و کمیته وحدت‌ملی شامل ۳۸ نفر از افسران ارتش، در یک کودتا دولت عدنان مندرس را ساقط کرد. حکومت جدید بهبود روابط خود با کشورهای عربی در عین حفظ تعهدات خود به سنتو را از اهداف اصلی خود قرار داد.



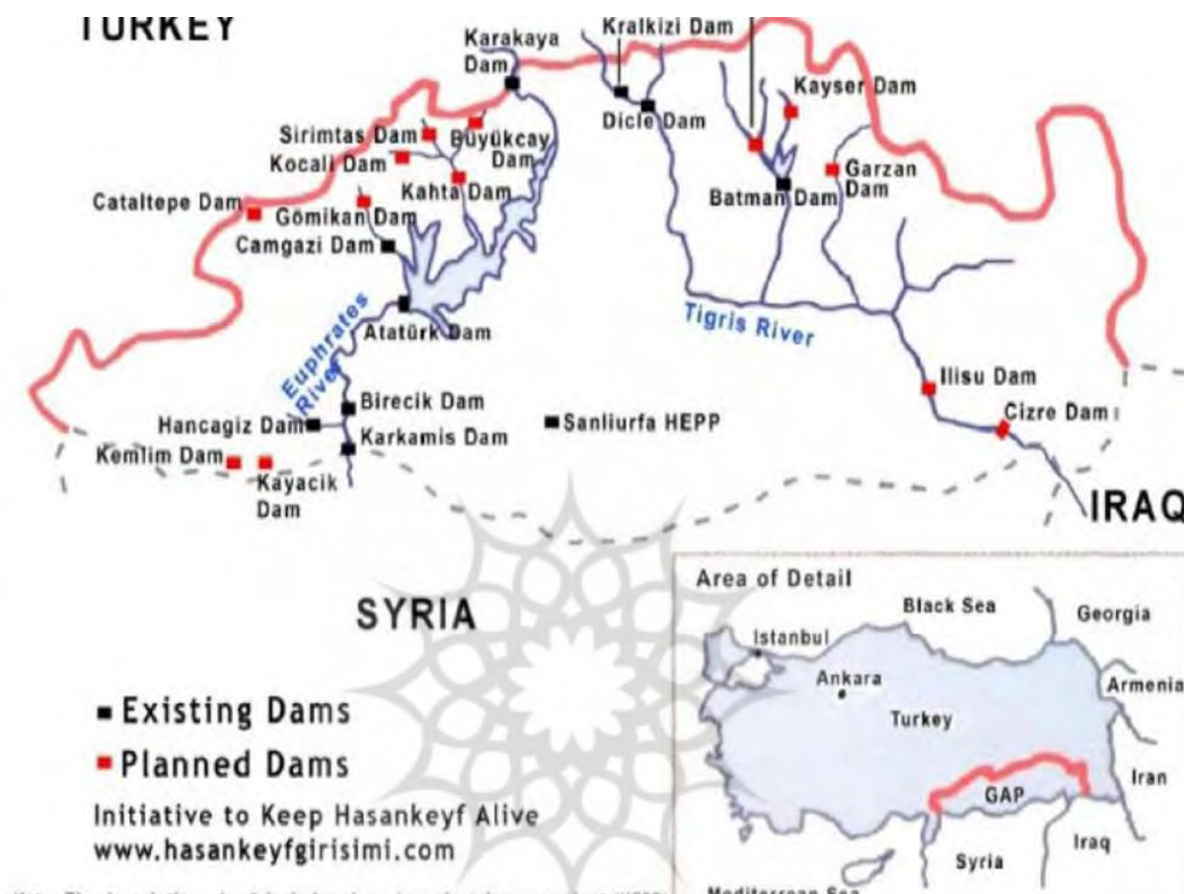
یک‌ماه پس از انتخابات پارلمانی ترکیه در اکتبر ۱۹۶۱ م. که گورسل درپی آن تا ۱۹۶۶ م. رئیس‌جمهور شد؛ جمهوری متحد عربی در سپتامبر فرو پاشید و ترکیه به عنوان دومین کشور پس از اردن رژیم جدید سوریه را به رسمیت شناخت (Bishku, 2012:41). حزب بعث در سوریه با یک کودتا قدرت را در اختیار گرفت و برخلاف انتظاری که از یک حزب ناسیونالیست عربی می‌رفت، بجای ادعا بر اسکندرون، اعلام کرد که استان خوزستان ایران، جزء جدایی‌ناپذیر سرزمین اعراب است (جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۶:۱۵۲). با همه این احوال روابط دو کشور کماکان تیره باقی‌ماند، ترکیه تا سال ۱۹۶۹ م. بخش‌هایی از مرزش با سوریه را مین‌گذاری کرد. (Bishku, 2012:42) سوریه در این هنگام بدلیل شکست خردکننده اعراب در جنگ ۱۹۶۷ م. برابر اسرائیل و از دست‌دادن بلندی‌های جولان، نگاهش را معطوف به جنوب سرزمین خود کرد و مسئله اسکندرون محل چندانی از اعراب نداشت، با این وجود روابط دو کشور تا میانه دهه ۸۰ میلادی کماکان تیره و تار ماند. در مارس ۱۹۸۵ م. دو کشور پیمانی مشترک را برای وضعیت امنیتی مرز خود با یکدیگر امضاء کردند و در اکتبر ۱۹۸۵ م. همکاری دو کشور با امضاء پیمانی جنبه‌های اقتصادی، امنیتی، فنی، علمی و بازرگانی نیز پیدا کرد. روند بهبودی روابط تا سال ۱۹۸۶ م. و با سفر نخست‌وزیر سوریه به ترکیه و امضاء چندین پیمان همکاری اقتصادی بین دو کشور ادامه یافت (جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۶:۱۵۳). اما روند بهبود روابط بیش از این به‌طول نیانجامید، اقدام دولت سوریه مبنی بر چاپ نقشه‌ای که اسکندرون را بخشی از خاک این کشور نشان می‌داد و قرار گرفتن آن در اختیار عموم در جریان بازی‌های مدیرانه‌ای سال ۱۹۸۷ م. خشم دولت ترکیه را برانگیخت. حسن سلال گوزل وزیر کشور و سخنگو دولت ترکیه پرسش یکی از نمایندگان مجلس درباره هاتای را اینچنین پاسخ گفت: «مسئله هاتای از عوامل منفی در روابط ما با سوریه است، ما جدایی‌ناپذیر بودن هاتای از ترکیه بارها به سوریه گوشزد کردیم و اعلام کردیم که ادعاهای سوریه بر این بخش از خاک ترکیه به توسعه روابط دو کشور، که هم ترکیه و هم سوریه خواهان آن هستند، آسیب می‌رساند» (همان: ۱۵۳). اما بحران در روابط دو کشور در پی هدف قراردادن یک هواپیما متعلق به اداره ثبت اراضی ترکیه که بر فراز هاتای در حال پرواز بود آغاز شد. چندی پس از ساقط کردن این هواپیما توسط نیروی هوایی سوریه، وزیر اطلاعات سوریه که به نیکوزیا در جمهوری قبرس سفر کرده بود در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که: «اسکندرون جزوی از سوریه است و این کشور آن را به‌عنوان بخشی از خاک ترکیه به رسمیت نمی‌شناسد» بحران پیش آمده پس از اینکه سوریه پذیرفت که غرامت جنگده ساقط‌شده را بپردازد، فروکش کرد (همان: ۱۵۳). در جنگ اول خلیج فارس، سوریه بدلیل مشکلات با شاخه عراقی حزب بعث و ترکیه نیز بدلیل هم‌پیمانی با آمریکا در یک جبهه قرار گرفتند و خطوط لوله نفت عراق را در شش آگوست ۱۹۹۰ م. بستند چندی بعد در ۲۲ دسامبر سال ۱۹۹۰ م. سوریه متهم به حمایت از نیروهای پ.ک.ک که قصد نفوذ به خاک ترکیه از طریق خاک این کشور را داشتند گردید (جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۶:۱۵۳).

۳- روابط ترکیه و سوریه از پایان جنگ سرد تا قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه

پس از پایان جنگ سرد مسئله آب رودخانه‌های فرامرزی بین دو کشور محور اصلی اختلافات بین ترکیه و سوریه را به‌خود اختصاص داد. دولت ترکیه از دهه ۸۰ میلادی پروژه جنوب شرق آناتولی موسم به GAP را با هدف مدیریت، ذخیره و هدایت آب دو حوضه دجله و فرات آغاز کرد (ذکی و اسداللهی، ۱۳۹۹:۵). این پروژه شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق-آبی است که نگرانی‌های بسیاری را برای دو کشور پایین‌دست عراق و سوریه ایجاد می‌کند. نوع نگاه ترکیه به آب مانند نگاه کشورهای عربی به نفت است، اقدام ترکیه در نوامبر ۱۹۸۹ م. مبنی بر قطع آب فرات از یک ژانویه ۱۹۹۰ م. به‌مدت یک‌ماه برای پر کردن سد آتاتورک، بر ترس سوریه از اقدامات ترکیه افزود (نجات، ۱۳۹۶:۱۲۴). چندی بعد پیش از افتتاح سد آتاتورک بر روی رود فرات در سال ۱۹۹۲ م. نخست‌وزیر ترکیه سلیمان دمیرل که بعدها به مقام ریاست جمهوری نیز رسید درباره منابع آبی سخنانی به این شرح را ایراد کرد: «منابع آبی متعلق به ترکیه هستند ما به کشورهای عربی نمی‌گوییم که ما را در منابع نفتی خود سهیم کنید و آن‌ها هم نمی‌توانند به ما بگویند تا آن‌ها را در منابع آبی خود سهیم کنیم.» (Bishku, 2012:40) «عراق و سوریه اعتقاد دارند که ترکیه می‌بایست به کنوانسیون استفاده غیر نوابری از مسیرهای آبی بین‌المللی و همچنین مصوبات کمیته‌فنی

مشترک ۱۹۸۰ که توسط سه کشور تشکیل شد پایبند می ماند و از پیش به آن ها اطلاع می داد (ذکی و اسداللهی، ۱۳۹۹: ۶). مسئله آب رودخانه های مرزی برای سوریه و عراق مسئله فقط تاثیر گرفتن بخشی از خاک دو کشور از کم آبی نیست و به حیات و ممت این دو کشور ارتباط دارد.

نقشه شماره ۲: نقشه سدهای پروژه گاپ در مرز با سوریه



منبع: (کاظمی، ۱۴۰۱: ۴۷)

در آوریل سال ۱۹۹۶ م. مجدداً زخم اختلاف بر سر هاتای بین دو کشور سرباز کرد، مسعود ییلماز نخست وزیر ترکیه در سفر خود به هاتای، به حافظ اسد رئیس جمهور سوریه برای دخالت در امور داخلی ترکیه و انتقادهای وی از رابطه اسرائیل با ترکیه هشدار داد. نهیب متز معاون نخست وزیر ترکیه، سوریه را متهم کرد که قصد اشغال هاتای برای اجرای طرح سوریه بزرگ را دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). در می همان سال بمبگذاری های بسیاری در دمشق و شهرهای بزرگ سوریه صورت گرفت. سوریه در واکنش ۶۰۰ ترک را اخراج کرد و سرویس اطلاعاتی ترکیه «میت» را متهم به انجام این انفجارها کرد. همچنین ۴۰ هزار سرباز سوری در ژوئن در مرز با ترکیه مستقر شدند، ترکیه نیز نیروهای خود در مرز را افزایش داد، برای نخستین بار در طول تاریخ روابط دو کشور، سوریه و ترکیه صف آرایی نیروهای خود در مرز را به صورت رسمی تایید کردند (همان: ۱۵۴). در سال ۱۹۹۷ م. روابط دو کشور مجدداً بر سر آب رودهای مرزی و پ.ک.ک تنش آلود شد (سلطانی نژاد، ۱۴۰۰: ۷۳) در سال ۱۹۹۸ م. ترکیه و سوریه آخرین و جدی ترین بحران قرن خود را تجربه کردند. در ۲۴ ژوئن ۱۹۹۸ م. در ترکیه به مناسبت شصتمین سالگرد پیوستن هاتای به ترکیه جشن برگزار شد. ییلماز نخست وزیر ترکیه شخصاً در یکی از این جشن ها که در هاتای برگزار می شد شرکت کرد. ییلماز در سخنرانی خود گفت که: «سوریه با وجود ادعای خود بر خاک ترکیه، نه از پشتوانه حقوقی و نه توان مورد نیاز

برای تصرف هاتای برخوردار است. آنکارا به خاک هیچ کشوری چشم طمع ندارد ولی چشم آن‌هایی که به خاکش چشم دارد را کور خواهد کرد» (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در اکتبر مجدداً مقامات ترکیه علیه سوریه سخنرانی کردند، دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه در سفرش به هاتای و بازدید از شهرستان سامان‌داغ در سخنرانی خود گفت: «وظیفه دارد که به تهدیدات علیه تمامیت ارضی و مردم ترکیه پایان دهد.» این بار سوری‌ها به سخنان مقامات ترکیه واکنش نشان دادند و محمد سلمان وزیر اطلاعات سوریه اعلام کرد که سوریه از ادعای خود بر اسکندرون صرفه‌نظر نخواهد کرد و سوریه این مسئله را یک مسئله ملی می‌داند و از حقوق خود در این منطقه هیچوقت چشم‌پوشی نمی‌کند (همان: ۱۵۴). درگیری و بحران در روابط دو کشور با مستقرشدن ارتش ترکیه در اکتبر ۱۹۹۸ م. اوج گرفت، ترکیه دو یادداشت مبنی بر حق داشتن برای انجام عملیات نظامی در سوریه به شورای امنیت فرستاد. ترکیه در ادامه همراه با ۱۰ عضو ناتو در هاتای مانور نظامی برگزار کرد. با میانجیگری ایران و بخصوص مصر، ترکیه طرحی را برای حل مسئله برای سوریه ارسال کرد. مفاد بنیادی این طرح به شرح زیر می‌باشند:

- سوریه ادعای خود بر هاتای را پس می‌گیرد.
 - سوریه می‌بایست مرزهای بین دو کشور را به رسمیت بشناسد.
 - دو کشور پیمان جدیدی را بر اساس اصل حسن همجواری امضاء می‌کنند (همان: ۱۵۵).
- کشورهای عربی در جریان این بحران هرگونه حمله به سوریه را غیرقابل پذیرش اعلام کردند و ترکیه را به قطع روابط تهدید کردند اما از ادعای سوریه بر اسکندرون نیز حمایت نکردند که نشانگر تمایل آن‌ها به عدم گسترش تنش بود. سرانجام این بحران در پی مذاکرات مستقیم بین ترکیه و سوریه در ۱۹ و ۲۰ اکتبر در ۱۹۹۸ م. در آدانای ترکیه، پیمان آدانا در ۲۰ اکتبر میان دو کشور امضاء شد و از شدت بحران میان دو کشور کاسته شد. می‌توان گفت که پیمان آدانا بیشتر تمایلات ترکیه را برآورده ساخت تا سوریه. مهم‌ترین بندهای این پیمان به شرح زیر می‌باشند:
- از این پس، دو طرف توافق می‌کنند که مناقشات مرزی آن‌ها خاتمه یافته و هیچ یک از آن‌ها ادعاها یا حقوقی مرتبط با سرزمین طرف دیگر ندارد.
 - سوریه درک می‌کند که ناکامی او در اتخاذ اقدامات ضروری وظایف امنیتی مندرج در موافقت‌نامه به ترکیه این حق را می‌دهد که همه اقدامات امنیتی لازم را در عمق ۵ کیلومتری خاک سوریه اتخاذ کند.
- با امضاء پیمان آدانا، از بی‌اعتمادی بین دو کشور کاسته شد، سزر رئیس‌جمهور ترکیه با شرکت در مراسم خاکسپاری حافظ اسد در ژوئن ۲۰۰۰ م. بر سرعت بهبود روابط بین دو کشور افزود، همچنین مقامات دو کشور پس از امضاء این پیمان باهم دیدارهای بسیاری را داشتند، در حوزه امنیتی دو کشور نخست در ۲۰۰۱ م چندین جلسه مهم را برگزار کردند و سرانجام در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ م. پیمان امنیتی و همکاری‌های فنی، علمی، آموزشی و نظامی را امضاء کردند. در زمینه مسئله رودهای مرزی نیز ترکیه در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۱ م. بر آب رهاسازی شده به سمت سوریه افزود. روابط اقتصادی بین دو کشور نیز گسترش چشمگیری یافت؛ کمیسیون اقتصادی مشترک که از ۱۹۸۸ م. جلسه تشکیل نداده بود در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ م. تشکیل جلسه داد و پروتکل‌های جدیدی میان دو کشور امضاء شد. در ادامه خط‌آهن مشترک دو کشور که از سال ۱۹۹۹ م. فعال نبود، در سال ۲۰۰۱ م. مجدداً فعال شد، برای افزایش مراودات بین مرزنشینان دو کشور نیز به شهروندان مرزنشین اجازه داده شد که در روزهای عید، آزادانه از مرز عبور کرده و به دیدار خویشاوندان خود در سوی دیگر مرز بروند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۶: ۴ و ۵).

3- روابط ترکیه در سوریه از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تا جنگ داخلی سوریه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه روابط دو کشور از بحران‌ها و تحولات ایجادشده در منطقه و بخصوص جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ م. و همچنین نزدیکی سوریه با ایران تاثیر زیادی گرفت. سوریه پس از سقوط عراق بدلیل قرار گرفتن در مثلث آن‌سوی محور شرارت در کنار لیبی و کوبا، پس از ایران که در کنار عراق و کره شمالی از اعضای محور شرارت بود، بیشترین فشار را متحمل شد، ترکیه نیز بدلیل ماه‌عسل روابط خود با سوریه، از فشار آمریکا بر روی سوریه تاثیر می‌گرفت (گروه نویسندگان، ۱۳۹۶:۲۲).

آمریکا که در بهار ۲۰۰۳ م. در حال آماده‌کردن یک‌بسته تحریمی ضد سوریه بود، به ترکیه برای ارتباط دوراندیشانه‌تر با سوریه هشدار داد (همان:۲۲). هرچند ترک‌ها به تهدیدات آمریکا و قرارگرفتن سوریه در لیست سیاه کشورهای مخالف آمریکا توجه نکردند و به بهبود روابط با سوریه ادامه دادند و حتی اردوغان که در آن‌موقع نخست‌وزیر سوریه بود، به دمشق سفر کرد (صالحی و بهمنی، ۱۳۹۵:۱۰۴). در ژانویه ۲۰۰۴ م. بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ م. به سوریه سفر کرد (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۳:۵۲). اسد درباره دیدار خود از ترکیه در بیاناتی گفت: «ما در حال گذر از فضای بی‌اعتمادی به فضایی از اعتماد هستیم» (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰:۲۵۰). حلمی اوزوک رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه در جریان دیدار اسد از سوریه، به او اعلام کرد ترکیه برای مقابله با پ.ک.ک. از سوریه انتظار حمایت آشکار بیشتری دارد (گروه نویسندگان، ۱۳۹۶:۲۲). همچنین دو کشور پیمان‌هایی در زمینه مبارزه با تروریسم و جنایات سازمان‌یافته با یکدیگر امضاء کردند (Bishku, 2012:47) اردوغان حتی برای کد دادن به سوریه در جریان دیدار خود با ناجی اوتری در ژوئن ۲۰۰۴ م. از دیدار با ایهود اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل که در همان‌روز وارد ترکیه شده بود، خودداری کرد (Thowhidul Islam, 2015:8) اردوغان در دسامبر ۲۰۰۴ م. پاسخ سفر اسد به ترکیه را داد و به دمشق سفر کرد، وی در این سفر آینده و چشم‌انداز روابط بین دو کشور را خوشبینانه ارزیابی کرد (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۳:۵۲). دو کشور در سال ۲۰۰۴ م. پیمانی اقتصادی با یکدیگر امضاء کردند که ترکیه پذیرفت از سال ۲۰۰۷ م. عوارض گمرکی محصولات تولیدی سوریه را به صفر برساند، اما سوریه بدلیل توان اقتصادی کمتر در بازه ۱۲ ساله به این امر مبادرت خواهد ورزید (همان:۵۵). ترکیه حتی کوشش کرد تا از مبحث درگیری بین اسرائیل سوریه و بلندی‌های جولان اشغالی سوریه که در تصرف اسرائیل بود؛ برای بهبود روابطش با سوریه بهره‌برده، اردوغان به مقامات سوریه تضمین داد تا از ارتباطات کشورش برای پس‌گرفتن جولان از اسرائیل بهره‌بگیرد (صالحی و بهمنی، ۱۳۹۰:۱۰۵). ترکیه از سال ۲۰۰۷ م. به بعد در تحولات خاورمیانه بیشتر دخالت کرد و حتی برای نمایان کردن عزم خود در نگاه جدی و نو به خاورمیانه سال ۲۰۰۷ م. را در دستگاه سیاست خارجی خود «سال خاورمیانه» نام نهاد (نجات، ۱۳۹۶:۱۲۷). با اجرایی شدن پیمان تجاری سال ۲۰۰۴ م. مبادلات بازرگانی دو کشور که تا سال ۲۰۰۷ م. حدود ۸۰۰ میلیون دلار بود، افزایشی چشمگیر یافت بحدی که مبادلات بین دو کشور تا سال ۲۰۱۰ م. و یک‌سال پیش از آغاز بهار عربی به ۲/۵ دلار افزایش یافت (گروه نویسندگان، ۱۳۹۶:۳۳). ترکیه در سال ۲۰۰۸ م. کوشش کرد که در قضیه جولان اشغالی نقش میانجی را میان سوریه و اسرائیل برای رسیدن به یک توافق بین‌المللی ایفا کند (Bishku, 2012:48) گرم‌شدن روابط دو کشور در دهه اول قرن بیست و یک به‌جایی رسید که در سند امنیت ملی ترکیه موسوم به «کتاب قرمز» چاپ در سال ۲۰۰۹ م. نام سوریه از فهرست کشورهای تهدیدکننده امنیت ترکیه خارج گردید (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۳:۵۵). در آوریل ۲۰۰۹ م. ارتش‌های ترکیه سوریه در یک رزمایش مشترک نظامی در کنار یکدیگر حضور یافتند. روز ۱۳ اکتبر ۲۰۰۹ م. را می‌توان روزی تاریخی در روابط دو کشور محسوب کرد؛ روزی که در آن احمد داووداوغلو و ولید معلم وزاری خارجه دو کشور با حضور ۱۰ وزیر دیگر از هر دو کشور پیمانی را برای حل مسائل و کمترکردن محدودیت‌های سفر به دو کشور امضاء کردند. داووداوغلو به منظور تاکید بر اهمیت این رویداد آن را عید سوم نامگذاری کرد و دو وزیر خارجه مسیر روابط دو کشور را به نام «سرنوشت مشترک-تاریخ مشترک-آینده مشترک» نامگذاری کردند (Demirtas, 2013:111) با وجود روابط نیکو بین دو کشور اما اردوغان در سفرش به سوریه در دسامبر ۲۰۰۹ م. نتوانست اسد را برای پس‌گرفتن ادعای سوریه بر هاتای و پذیرش آن به عنوان بخشی از خاک ترکیه راضی کند (Bishku, 2012:47) هرچند اردوغان در راضی‌کردن اسد ناکام ماند اما در



دسامبر ۲۰۱۰ م. در پی جلسات برگزار شده در سطح عالی بین مقامات دو کشور چندین پیمان‌نامه در زمینه‌های حفاظت از محیط‌زیست، خدمات اجتماعی و انرژی میان دو کشور امضاء شد. پروتکل‌های اقتصادی بین دو کشور نیز تا مارس سال ۲۰۱۰ م. به ۵۱ مورد رسید (oktav, 2015:3) اسد در ژانویه ۲۰۱۱ م. در مصاحبه‌ای ترکیه را به دلیل داشتن سنت‌های مشابه و شباهت جامعه دو کشور یک الگو برای سوریه نامید. (Bishku, 2012:48) هرچند روابط حسنه بین دو کشور پس از این مصاحبه عمر چندانی نیافت و با آغاز بهار عربی که عموم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت و سوریه نیز از آن گریزی نیافت، مجدداً روابط دو کشور تیره شد.

نتیجه‌گیری

با وجود سقوط رژیم بشار اسد در سال ۲۰۲۴ م. و به قدرت رسیدن معارضین طرفدار ترکیه در دمشق، که طبیعتاً از شدت اختلافات بین دو کشور خواهد کاست، اما برخی مسائل مانند مسئله آب رودهای فرامرزی بخصوص رود فرات که حیات کشاورزی سوریه بدان بسته است، می‌تواند آتش اختلافات بین ترکیه و دولت جدید سوریه را شعله‌ور سازد، سدسازی‌های گسترده ترکیه در پروژه گاپ از حجم آب ورودی به سوریه به شدت کاسته است که سکوت دولت جدید سوریه می‌تواند نارضایتی و اعتراضات بزرگی را در میان مردم سوریه ایجاد کند، از این رو دولت جدید سوریه ناچار در مقابل ترکیه خواهد ایستاد، از طرفی مسئله اسکندرون برای مردم سوریه یک مسئله حیثیتیست و تمامی دولت‌های سوریه حتی پیش از به قدرت رسیدن حزب بعث و علویان نیز همواره این منطقه را جزوی از خاک سوریه اعلام کرده‌اند و این منطقه را به عنوان بخشی از خاک ترکیه به رسمیت نشناخته‌اند، از این رو با توجه به پیشروی‌های اسرائیل در جولان و استان‌های جنوبی سوریه، دولت جدید نمی‌تواند آشکارا حاکمیت ترکیه را بر این منطقه به رسمیت بشناسد و تنها می‌تواند مسئله اسکندرون را در حالت سکوت قرار دهد. از طرف دیگر دولت جدید سوریه در صورت پذیرش خودمختاری کردها در شمال شرق این کشور قطعاً مورد خشم ترکیه قرار خواهد گرفت، زیرا وجود یک کانون وسیع خودمختار کردی در جنوب مرزهای این کشور می‌تواند تمایلات جدایی‌طلبانه در میان کردها ترکیه را افزایش دهد. از این رو می‌بایست گفت که تمامی مسائلی که در گذشته مورد اختلاف ترکیه و سوریه قرار داشت حتی امروز نیز با وجود به قدرت رسیدن یک دولت طرفدار ترکیه در سوریه، نیز ادامه دارند و تنها مانند آتش زیر خاکستر قرار دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- پیشگاهی فرد، زهرا، رحمانی، محمدعلی. (۱۳۹۰). *قلمروخواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۹۶). *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۴۰۱). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.
- دانش‌نیا، فرهاد، هاشمی، مسعود. (۱۳۹۳). *تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مولفه‌های تاثیرگذار بر آن (۲۰۰۲-۲۰۱۴)*. *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۶ (۳۹)، ۴۳-۷۲.
- درایسدل، آلسدایر، بلیک، جرالداچ. (۱۳۶۹). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
- دانش‌نیا، فرهاد، نظریور، داوود، سلیمی، آرمان. (۱۳۹۴). *فهم سیاست خارجی ترکیه در پرتو دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اغلو*. *نشریه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۱۷)، ۱۶۹-۲۰۰.
- ذکی، یاشار، اسدالهی، سید سروش. (۱۳۹۹). *هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تاثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه*. *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، ۳ (۱)، ۹-۱.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۲). *بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تاکید بر اسلام و ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سعادت‌مند، ابوالحسن. (۱۳۴۶). *جنگ سرد در سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۴۵*. تهران: دانشگاه تهران.
- سیف‌الدینی، حسین. (۱۳۹۹). *چشم‌انداز ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و قراباغ کوهستانی*. تهران: شیرازه کتاب‌ما.
- سلطانی‌نژاد، محمد. (۱۴۰۰). *ایران و جهان عرب؛ الگوهای رقابت و همکاری*. تهران: نگارستان اندیشه.
- صالحی، جواد، بهمنی، اکرم. (۱۳۹۵). *عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۵)*. *نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۸)، ۹۵-۱۲۱.
- فاست، لوئیس. (۱۳۸۶). *روابط بین‌المللی خاورمیانه*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
- فلینت، کالین. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک*. ترجمه محمدباقر قالیباف و محمدهادی پوپنده. تهران: قومس.
- کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۲). *پردازش مفهوم «قلمرو» از دیدگاه جغرافیای سیاسی*. *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۷ (۴)، ۴۳-۶۱.
- کاظمی، احمد. (۱۴۰۱). *پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها*. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۷ (۱)، ۴۵-۸۵.
- کریمی، مجید. (۱۴۰۲). *بازرسم مرزهای جدید غرب آسیا و پیامدهای آن*. تهران: دافوس آجا.
- گروه نویسندگان. (۱۳۶۰). *تاریخ معاصر کشورهای عربی*. ترجمه محمدحسین شهری. تهران: آوا.
- گروه نویسندگان. (۱۳۹۶). *سیاست خارجی ترکیه*. ترجمه ژاله عبدی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- لوتسکی، ولادیمیر. (۱۴۰۰). *تاریخ عرب در قرون جدید*. ترجمه پرویز بابایی. تهران: روزآمد.
- مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۰). *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: انتشارات موسسه خدماتی-انتشاراتی مفرس.
- میرحیدر، دره. (۱۳۷۱). *اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره، فاطمه سادات، میراحمدی. (۱۳۹۶). *سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- منسفیلد، پیتر. (۱۴۰۱). تاریخ خاورمیانه. ترجمه کیانوش امیری. تهران: نیماژ.
- نیک آئین، حشمت‌الله. (بی‌تا). ناسیونالیسم عرب از آغاز جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم، بی‌جا.
- نجات، سیدعلی. (۱۳۹۶). بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای. تهران: ابرار معاصر.
- ولیان، عبدالعظیم. (۱۳۴۵). تضادهای سیاسی آمریکا و شوروی در کشورهای عربی خاورمیانه. تهران: دانشگاه تهران.

- Bishku, M. B. (2012). Turkish-syrian relations: A Checkered History. *Middle East Policy*, 19 (3), 36-53.
- Demirtas, B. (2013). Turkish-syrian relations: From Friend “esad” To enemy “esed”. *Middle East Policy*, 20(1), 111-120.
- Oktav, O. Z. (2015). The Syrian Civil War and Turkey-Syria-Iran relations. *Syria Studies*, 7 (2), 1-19.
- Sakir Seker, B. (2023). Türkiye-Syria Relations During Cold War and Post Cold War Period. *Avrasya Uluslararası Araştırma Dergisi*, 11 (36), 322-339.
- Thowhidul Islam, M. (2015). Turkey’s Foreign Policy Shifts Towards Syria. *The Journal of Central Asian Studies*, 22, 1-22.
- Yamac, M. (2021). Zhiltsov, Sergey, Zonn, Igor, Orlovsky, Nicolay. (2020). Isreal in the southern Caucasus: Political aspects. *Central asia and the Caucasus*, 21(2), 41-49. Hatay issue Within The scope of Turkish-French relations. *International Journal of Research In Social Sciences*, vol. 5, no. 1, pp. 32-43.

